

The Components of Socio-Economic Empowerment of Female Heads of the Household from the Perspective of the Qur'an

Tayyebah Heydari Rad¹
Javad Tawhidi Manesh²

ABSTRACT

Providing a livelihood and resocializing the lives of female heads of families who are affected or are at risk of being harmed has been investigated in sciences such as psychology and sociology, and works have been compiled in this regard; but these questions are raised: What solutions has the Qur'an, which is the "explanation of the whole thing", provided to answer the financial needs and social empowerment of this stratum of the society? Are examples and models of social and economic empowerment of female heads of the family mentioned in the Holy Quran or not? By analyzing the verses and library study of interpretive texts, it is possible to obtain the components and patterns that meet the economic and social needs of female heads of the household with the focus on "family center" and directly or indirectly, provide the field of financial and social empowerment of this stratum by men. This part can be done through a view to "strengthening the family center" and "restoring broken families" and "expanding the family network".

There are another group of Quranic solutions that can provide the social and financial empowerment of all disadvantaged stratum of the society, including female heads of families outside the family center, such as "encouraging women and family members to work and generate income", "supporting of needy people and their families by the Islamic ruler and his representative" and "family members' following of spiritual and educational instructions" are among these solutions.

KEYWORDS: Female Heads of the Household, Social Empowerment, Financial Empowerment, Strengthening the Family Center, Expanding the Family Network.

1- Fourth level seminary student of comparative interpretation, Jamiat Al-Zahra, Qom, Iran, (corresponding author), haidarerad2010@gmail.com

2- Ph.D. student of tabligh and education, Qom seminary, Qom, Iran, gtm58@gmail.com





نوع مقاله: پژوهشی

مؤلفه‌های توانمندسازی اجتماعی - اقتصادی بانوان سرپرست خانوار از منظر قرآن

طیبه حیدری راد^۱، جواد توحیدی منش^۲

چکیده

تأمین معیشت و باز اجتماعی کردن زندگی زنان سرپرست خانواده‌ای که از اقشار آسیب‌دیده و یا در معرض آسیب هستند، در علومی همچون روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته و آثاری در این باره تدوین شده است؛ اما این پرسش‌ها مطرح می‌شود: قرآنی که «تبیان کُل شیء» است، برای پاسخ به نیازمندی‌های مالی و توانمندسازی اجتماعی این بخش از جامعه، چه راهکارهایی را ارائه نموده است؟ آیا در قرآن کریم نمونه‌ها و الگوهایی از توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی بانوان سرپرست خانواده ذکر شده یا خیر؟ با واکاوی آیات و مطالعه کتابخانه‌ای متون تفسیری، می‌توان به مؤلفه‌ها و الگوهایی دست‌یافت که تأمین نیازمندی‌های اقتصادی و اجتماعی زنان سرپرست خانوار را با محوریت «کانون خانواده» مطرح کرده و در پی آن است به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم، زمینه توانمندسازی مالی و اجتماعی این قشر را به‌وسیله مردان فراهم سازد. این بخش با نگاه به «تحکیم کانون خانواده» و «ترمیم خانواده‌های ازهم‌پاشیده شده» و «گسترده نمودن شبکه خانواده» عملیاتی می‌گردد. دسته دیگری از راهکارهای قرآنی وجود دارند که می‌تواند زمینه توانمندسازی اجتماعی - مالی همه اقشار محروم جامعه از جمله زنان سرپرست خانواده را خارج از کانون خانواده فراهم نماید از قبیل «تشویق به کار و درآمدزایی بانوان و اعضای خانواده»، «حمایت حاکم اسلامی و نماینده وی از افراد و خانواده‌های نیازمند» و «عمل اعضای خانواده به دستورالعمل‌های معنوی و تربیتی» جزو این دسته از راهکارها هستند.

کلیدواژه‌ها: زنان سرپرست خانوار، توانمندی اجتماعی، توانمندسازی مالی، تحکیم کانون خانواده، گسترده کردن شبکه خانواده.

۱- طلبه سطح چهار تفسیر تطبیقی، جامعه الزهرا، قم، ایران، (نویسنده مسئول)، haidarerad2010@gmail.com
۲- دانشجوی دکتری تبلیغ و معارف، حوزه علمیه قم، قم، ایران، gtm58@gmail.com



اسلام دینی کامل و جامع برای اقشار مختلف اجتماع اعم از زنان و مردان، کودکان و جوانان و از کار افتادگان و همچنین برای دنیا و آخرت آنان، برنامه‌ریزی نموده و همگان را بر رعایت و التزام به اجرای این برنامه‌ها فراخوانده است: «ای پیامبر! از تو درباره حکم زنان سؤال می‌کنند؛ بگو: «خداوند درباره آنان به شما پاسخ می‌دهد: آنچه در قرآن درباره زنان یتیمی که حقوقشان را به آن‌ها نمی‌دهید، و نمی‌خواهید با آنان ازدواج کنید و نیز آنچه درباره کودکان صغیر و ناتوان برای شما بیان شده است (قسمتی از سفارش‌های خداوند در این زمینه است و نیز به شما سفارش می‌کند که (با یتیمان به عدالت رفتار کنید! و آنچه از نیکی‌ها انجام می‌دهید، خداوند از آن آگاه است) و به شما پاداش شایسته می‌دهد» (نساء: ۱۲۷).

برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی کاربردی همچون «به رسمیت شناختن مالکیت زنان بر درآمد مشروع خود» (نساء: ۳۲)؛ «اختصاص بخشی از سهم الارث به بانوان» (نساء: ۱۲) و «بهره‌مندی زنان از زندگی مادی و معنوی درازای عمل صالح» (نحل: ۹۷) نمونه دیگری از برنامه‌های حمایتی قرآن کریم است. همچنین «تلاش و کوشش برای امرارمعاش» یکی دیگر از مسائلی است که در آموزه‌های شریعت خاتم، به‌عنوان بزرگ‌ترین عبادت معرفی گشته (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۵: ۷۸) و تبلی و بی‌کاری و بی‌حوصلگی در کار و کوشش برای گذران زندگی، بسیار مورد نکوهش واقع شده است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۲۹۵). در خانواده‌هایی که همه اعضای خانواده وجود دارند و هریک از اعضای آن می‌توانند نقش‌های خویش را اجرا کنند، مسئله مهم امرارمعاش زندگی بر دوش مردان نهاده شده است؛ زیرا بر اساس آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء: ۳۴)؛ مردان بر زنان قیومت و سرپرستی دارند، به خاطر اینکه خدا بعضی را بر بعضی برتری داده، و به خاطر این که مردان از مال خود نفقه زنان و مهریه آنان را می‌دهند.

قوامیت، حکمی قرآنی است که بنا بر تعبیری به سرپرستی و مدیریت مردان بر زنان (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۴، ۱۱۷) و به تعبیر دیگری مسائل سرپرستی در خانواده (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳، ۳۶۹) اشاره دارد. در تعریف قوامیت مرد بر زن گفته شده قوام کسی است که در رسیدگی به امور دیگران خودش به‌تنهایی و بدون تکیه به دیگری اقدام کند؛ بنابراین قوامون، شوهرانی هستند که بر تدبیر امور زنان و برآوردن نیازهای آنان اشراف دارند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳۲۹).

با توجه به سنگینی این نقش و حساسیت آن، معصومین (ع) برای تشویق مردان به انجام چنین رسالتی و پذیرش مشکلات این وظیفه خطیر، تلاش مرد برای امرارمعاش خانواده را در حد جهاد او در میدان جنگ معرفی کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ۵: ۸۸)؛ اما در برخی از خانواده‌ها به دلایل گوناگون این نقش سنگین و طاقت‌فرسا، بر دوش زنان خانواده قرار می‌گیرد و این در حالی است که نقش مادری و تربیت فرزندان نیز همواره وجود دارد و بی‌شک محدودیت‌های جسمی و شرایط روحی و روانی و نقش‌های دیگر این زنان سرپرست خانواده، معمولاً فشار زیادی را بر آنان تحمیل می‌کند و در موارد متعددی فرسودگی‌های جسمی و روحی، سبب بر زمین ماندن رسالت‌های اساسی آنان شده و فرزندان‌شان کمبودهای متعددی را در زندگی تجربه می‌کنند.

از طرفی هم، درآمد کمتر خانواده‌هایی که سرپرستی آن‌ها با بانوان است، نسبت به خانواده‌هایی که سرپرستی آن‌ها با مردان است، فقر نسبی این خانوارها را در پی دارد تا آنجا که گاهی برخی از افراد جامعه، زنان سرپرست خانوار را با این مسئله می‌شناسند (معیدفر و حمیدی، ۱۳۸۶: ۱۴۶) و بر اساس بررسی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در سال ۱۳۷۹، احتمال ابتلا به فقر برای خانوارهای با سرپرست زن در مناطق شهری ۳۵٪ و در مناطق روستایی ۶۵٪ است (فروزان و بیگلریان، ۱۳۸۲: ۴۳) و این مسئله در حالی است که بر مبنای داده‌های سرشماری سال ۹۵ تعداد خانوارهای با سرپرستی بانوان در کشور ۳/۰۶۵/۰۰۰ خانوار است که ۱۲/۶ درصد از کل خانوارهای کشور را تشکیل می‌دهد (سایت معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری: <https://women.gov.ir/> ذیل قانون برنامه ششم توسعه، معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری: ماده ۸۰)

بر اساس گزارش مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت کار، تعداد مردان سرپرست خانواده از ۱۸ میلیون و ۳۶۰ هزار نفر در سال ۹۰ به ۲۲ میلیون و ۱۶۸ هزار نفر در سال ۹۸ رسیده، درحالی که در این مدت تعداد زنان سرپرست خانواده از ۲ میلیون و ۷۷۳ هزار نفر در سال ۹۰ به ۳ میلیون و ۵۱۷ هزار نفر در سال ۹۸ افزایش یافته است. این آمارها نشان می‌دهد در یک بازه زمانی ۸ ساله که ایران بر اثر تحریم‌های ظالمانه و همه‌گیری بیماری کرونا با رشد منفی اقتصادی، مواجه بوده، رشد خانوارهای زن سرپرست حدود ۷ درصد بیشتر از رشد خانواده‌های مرد سرپرست بوده است (پایگاه مرکز برنامه‌ریزی و اطلاعات راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اردیبهشت ۱۴۰۰: www.mcls.gov.ir/) در چنین شرایطی، تأمین معیشت و سلامت خانوارهای زن سرپرست و باز

اجتماعی کردن آن‌ها به شدت تحت تأثیر قرار گرفته است.

بر همین اساس ضروری است متناسب با ظرفیت و نقش‌های اصلی زنان سرپرست خانواده، برنامه‌ریزی و اقدامات اساسی با رویکرد توانمندسازی مالی و برخوردار از عزتمندی اجتماعی آنان صورت گیرد. این ضرورت و نیازمندی در آیات قرآن کریم و تفاسیر، مورد توجه قرار گرفته است؛ اما تحقیقات کتابخانه‌ای نشان می‌دهد نوشتار مستقلی که با تمرکز بر تشریح و بررسی راهکارهای قرآنی، تدوین شده باشد، یافت نشد.

روش تحقیق

اثر حاضر با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای و با استخراج سرفصل‌ها و نمونه‌های قرآنی از طریق مراجعه به آیات قرآن کریم و کتب معتبر تفسیری - روایی و مقالات علمی جمع‌آوری شده و در ادامه نیز تجربیات و مشاهدات میدانی حاصل شده در فرایند طرح مددکاری اسلامی برای ۶۰۰ خانواده زن سرپرست ساکن شهر قم و طرح همیاری خانواده اجرا شده در ۱۱ مرکز استان با طراحی و مدیریت نویسندگان مقاله نیز به‌عنوان واقعیت عینی و حقیقی به سرفصل‌ها اضافه شده و بعد از توصیف و تحلیل داده‌ها به‌عنوان یک تحقیق کاربردی در اختیار مخاطبان قرار گرفته است.

هدف از تدوین این اثر، تبیین رویکرد قرآن کریم نسبت به توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان خانواده و افراد تحت تکفل آن‌ها است. حاصل آشنایی با رویکرد قرآنی توانمندسازی گروه و جاری کردن آن در سطح جامعه، عدم پیروی از الگوهای غربی و غیر قرآنی است که معمولاً زنان سرپرست را بدون نیازسنجی و اولویت‌بندی به‌سوی اشتغال و کسب‌وکار سوق می‌دهد که حاصل آن فرسودگی و پیری زود هنگام این گروه و بازماندن از نقش‌های اصلی زنان است.

پاسخگویی به نیازهای طبیعی زنان سرپرست و فرزندان آنان از اهداف دیگری است که با پیروی از الگوهای توانمندسازی قرآنی حاصل می‌شود. ارتباطات سالم و افزایش مشارکت‌های اجتماعی زنان سرپرست خانواده و فرزندان آنان یکی دیگر از اهدافی است که با پیروی از الگوهای قرآنی توانمندسازی حاصل می‌شود. در این اثر ابتدا، مفاهیم پرکاربرد و کلیدی مورد بررسی قرار گرفته، سپس برخی از راهکارهای قرآنی توانمندسازی مالی و اجتماعی بانوان سرپرست خانواده، در دو بخش «خانواده محور» و «عمومی» تبیین می‌گردد.

۱. مفهوم شناسی

قبل از ورود به مباحث اصلی، به تعریف برخی از واژگان پرداخته می‌شود:
زنان سرپرست خانواده: زنان سرپرست خانواده، زنانی هستند که عهده‌دار تأمین معاش مادی و معنوی خود و اعضای خانوار هستند (سازمان بهزیستی، ۸۰ - ۱۳۷۹) و تصمیم‌گیری در مورد نحوه هزینه کردن درآمدهای خانوار بر عهده آنان است (مجله آمار، ۱۳۹۶، ۵: ۱).

در این مقاله منظور از زنان سرپرست خانواده (منطبق با رویکرد دستگاه‌های حمایتی) شامل چهار گروه زیر است:

۱. زنان همسر فوت کرده؛ ۲. زنان مطلقه؛ ۳. زنان دارای همسر که به هر دلیل مسئولیت تأمین معاش خانواده آن‌ها به عهده خودشان است (دلایلی نظیر زندانی بودن همسر، ازکارافتادگی، معلولیت و ...). ۴. دختران مجردی که به سن مجرد قطعی رسیده‌اند (قانون برنامه ششم توسعه، معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری: ماده ۸۰).

توانمندسازی مالی: «توانمندسازی» به معنای ایجاد خودباوری و اتکاب‌نفس در افراد به‌عنوان مهم‌ترین عامل توسعه برای مبارزه با فقر است و فرایند آن ظرفیت‌سازی اقتصادی و اجتماعی است» (مافی، ۱۳۸۷: ۵۷) و «توانمندسازی مالی» فرایندی است که با فراهم‌سازی ابزارهای لازم، قدرت استفاده بهینه را در افراد ایجاد کرده و زمینه را برای ارتقاء مهارت‌های ادراکی آنان و تشخیص مشکلات و تعیین اولویت‌های اقتصادی مهیا می‌کند (رضوی، ۱۳۸۴: ۲۹)؛ بنابراین یک فرد، آنگاه از نظر اقتصادی توانمند است که هم بتواند توانایی ارتقای وضعیت اقتصادی را به دست آورد و هم قدرت تصمیم‌سازی و عملکرد مالی را داشته باشد (عیسی صفوی و همکاران، ۱۳۹۳، ۳: ۳-۱۲).

توانمندسازی اجتماعی: توانمندسازی به معنای خود نیرومندی، خوداتکایی، خودانتخابی، زندگی توأم با عزت در سایه ارزش‌ها، توانایی مبارزه برای احقاق حقوق خود، استقلال عمل، حق تصمیم‌گیری فردی، آزاد بودن، بیدارسازی و توانمند با صلاحیت و قابلیت است.

توانمندسازی یک فرایند از پایین به بالا و مشارکت همه اقشار محروم جامعه دربارہ سرنوشت خود است و از مفاهیم اساسی توسعه اجتماعی محسوب می‌شود. راهبرد اصلی این مدل، اعتقاد به مردم است. اعتقاد به اینکه مسائل می‌تواند به بهترین شکل ممکن به دست مردمی که با آن مسائل به‌طور روزانه زندگی می‌کنند و به عبارتی گروه‌های ذینفع حل شود. توانمندسازی اشاره به اقشار محروم و گروه‌های حاشیه‌ای دارد و مؤلفه‌هایی نظیر آموزش، عدالت،

توزیع عادلانه درآمد و امکانات، زمینه این توزیع عادلانه، زیرمجموعه آن قرار می‌گیرد (انصاری: ۱۳۸۴: ۱-۳۰).

در تعریف جامعه‌شناختی توانمندسازی می‌توان چنین گفت: توانمندسازی جامعه‌شناختی برآن دسته از اعضای گروه‌های جامعه که جریان تبعیض اجتماعی، آن‌ها را از فرآیند تصمیم‌گیری محروم کرده است. تبعیض‌هایی بر اساس نژاد، مذهب و جنسیت (ر.ک: گرب، ۱۳۷۳: ۱۷-۱۴؛ ملک، ۱۳۸۱: ۸۷، ۹۱ و ۱۰۴). در حوزه اجتماعی، توانمندسازی به معنای تقویت حوزه عمومی به منظور کاهش تنش‌های طبقاتی، قومی، نژادی و مذهبی و از این طریق افزایش آگاهی‌های معطوف به ایجاد همبستگی اجتماعی است و همچنین افزایش آگاهی شهروندان به حقوقی از قبیل حق برخورداری از امنیت اجتماعی، حق استفاده از بیمه بیکاری و مزایای بهداشتی و از همه مهم‌تر، حق برخورداری از آموزش را در برمی‌گیرد. توانمندسازی در این حوزه به‌خوبی می‌تواند در بالا بردن شاخص بهداشت عمومی و بالا بردن امید به زندگی و همچنین شاخص آموزش مؤثر باشد (پایگاه اطلاع‌رسانی مددکاران اجتماعی ایران، اسفند ۱۳۹۵: <https://iraniansocialworkers.ir/site/>) شاخص‌های همچون ارتباطات و تحرک اجتماعی، مشارکت اجتماعی، نشان‌دهنده توانمند اجتماعی زنان سرپرست خانواده است.

۲. راهکارهای توانمندسازی اجتماعی - اقتصادی بانوان سرپرست خانوار از منظر قرآن

توجه به زنان سرپرست خانوار و تأمین معیشت آنان در آیات قرآن از اهمیت خاصی برخوردار است. آیاتی که با انگیزه ترغیب افراد ثروتمند، جهت رسیدگی به وضعیت یتیمان و خانواده‌های یتام وارد شده و آیاتی که همگان را به رسیدگی و احسان به افراد نیازمند به‌ویژه اقوام مستضعف، دعوت نموده و به همسانی و تعدیل ثروت اجتماعی و متعادل‌سازی شئون اجتماعی توصیه نموده، بخشی از آیات این باب است. اما با بررسی دقیق آیات قرآن و آرای مفسرین، می‌توان راهکارهایی که برای توانمندسازی بانوان سرپرست خانوار ارائه شده را نیز به دست آورد. راهکارهایی که در نوشتار حاضر، به دو بخش «راهکارهای خانواده محور» و «راهکارهای عمومی» دسته‌بندی شده است:

الف) راهکارهای خانواده محور

مراد از این بخش از راهکارها، مواردی است که در آن، تأمین معاش و نیازمندی‌های مالی و باز اجتماعی کردن زندگی زنان سرپرست خانواده، تحت کانون خانواده

تعریف شده و در پی آن است تا به صورت مستقیم و بی واسطه یا به صورت غیرمستقیم، زمینه توانمندسازی مالی این قشر را فراهم می کند و به طبع بر وجهه و موقعیت اجتماعی آنان نیز می افزاید؛ برخی از این راهکارها عبارت اند از: تحکیم کانون خانواده و اجرای نقش ها برحسب ظرفیت ها: مهم ترین راهکاری که با توجه به نص صریح آیات و نکات تفسیری به دست می آید، تحکیم خانواده و اجرای نقش ها برحسب ظرفیت های افراد است، البته این مورد یک راهکار غیرمستقیم و پیشگیرانه است؛ زیرا توانمندسازی زنان یک پدیده اجتماعی است و از جمله پدیده های اجتماعی تک علتی نیست و به عوامل درونی و بیرونی متعددی بستگی دارد (جمشیدی و مهدی زاده، ۱۳۹۸: ۲) که یکی از این عوامل، تحکیم کانون خانواده است.

بر اساس این راهکار تا آنجا که امکان دارد، باید خانواده از تزلزل و فروپاشی به دور باشد، به گونه ای که هریک از اعضاء بتوانند به خوبی نقش های خویش را ایفا کنند، تا بار سنگین اقتصاد و معیشت خانواده بر عهده زنان خانواده قرار نگیرد؛ از این رو در قرآن کریم بعد از آنکه بحث قیومیت و سرپرستی مردان بر زنان مطرح شده و مسئله حقوق و وظایف هریک را پیش کشیده و در صورت انشقاق میان زن و شوهر، برخی از راهکارهای بیرون رفت از اختلاف و درگیری بین آنان را بیان کرده و می فرماید: «و اگر از جدایی و شکاف میان آن دو (همسر) بیم داشته باشید، یک داور از خانواده شوهر و یک داور از خانواده زن انتخاب کنید (تا به کار آنان رسیدگی کنند). اگر این دو داور، تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند به توافق آن ها کمک می کند؛ زیرا خداوند، دانا و آگاه است و از نیات همه، با خبر است» (نساء: ۳۵).

در تفسیر نمونه ذیل این آیه آمده: «محکمه صلح خانوادگی که در آیه فوق به آن اشاره شده یکی از شاهکارهای اسلام است... در محکمه صلح فامیلی؛ داوران از بستگان نزدیک مرد و زن هستند و جدایی یا صلح آن دو، در زندگی این عده هم از نظر عاطفی و هم از نظر مسئولیت های ناشی از آن تأثیر دارد و لذا آن ها نهایت کوشش را به خرج می دهند که صلح و صمیمیت در میان این دو برقرار شود و به اصطلاح آب رفته به جوی بازگردد!... و شانس موفقیت این محکمه در اصلاح میان دو همسر به مراتب بیشتر از محاکم دیگر است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳: ۳۷۱-۳۷۷).

علامه طباطبایی (ره) نیز می نویسد: «در آیه شریفه حصول توافق را به خدای تعالی نسبت داده، تا بفهماند سبب حقیقی و آن کسی که میان اسباب ظاهری

و مسیبات آن‌ها رابطه برقرار می‌کند خدای تعالی است، اوست که هر حقی را به صاحب حق می‌دهد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۴: ۳۴۶ و ۳۴۷)؛ بنابراین خداوند متعال تمام اسباب را برای تحکیم بنیان خانواده فراهم کرده و در نهایت خود نیز به‌عنوان سبب حقیقی، دست‌به‌کار شده و در میان خانواده‌های متزلزل و در معرض فروپاشی، زمینه دوستی و محبت و برقراری مجدد رابطه زن و شوهر را زیر چتر خانواده فراهم می‌نماید.

در چنین خانواده‌هایی اقتصاد و معاش زن و دیگر اعضای خانواده بر عهده مرد است و زنان حتی برای انجام برخی از امورات مختص خود همچون «شیر دادن فرزندان و نگهداری از آنان» می‌توانند از مردان طلب نفقه کرده و اموال و دارایی که از این طریق حاصل می‌شود را با صلاحیت خود هزینه نمایند.

احیای مجدد کانون خانواده: از جمله مسائلی که موجب می‌شود اقتصاد خانواده بر عهده زنان سرپرست قرار گیرد، فقدان مرد در خانواده به علت «طلاق»؛ و یا «فوت» اوست؛ یکی از راهکارهای قرآنی که برای توانمندسازی مالی این دسته از زنان پیشنهاد شده است، ازدواج مجدد و احیای کانون خانواده است.

از این رو آیه شریفه با تأکید می‌فرماید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ...» (نور: ۳۲)؛ مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درست‌کارتان را اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد خداوند گشایش دهنده و آگاه است!

از نگاه لغت‌شناس آیه «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ» زنان بی‌شوهر و مردان بی‌زن را هم شامل می‌شود؛ زیرا کلمه «الایامی» جمع «ایم» به فتحه همزه و کسره یاء و تشدید آن - به معنای زنی بی‌شوهر است خواه دوشیزه باشد یا شوهر رفته و الان به دلایلی همسر ندارد و نیز مردی که زن ندارد (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۱۲: ۳۹؛ طریحی، ۱۳۷۵، ۶: ۱۶۱؛ قرشی بنابی، ۱۳۷۱، ۱: ۱۵۲).

آیه شریفه همان‌گونه که جوانان عزب را به ازدواج و تشکیل خانواده تشویق نموده، زنان و مردان بیوه را نیز بر انجام این عمل ترغیب می‌نماید و می‌فرماید در این صورت اگر تشکیل خانواده دادند و از لحاظ اقتصادی با مشکل روبرو شود، بازهم خداوند متعال خود به‌عنوان مسبب‌الاسباب واقعی اقدام کرده و زمینه بی‌نیازی اقتصادی خانواده را فراهم می‌سازد.

پیامبر اسلام (ص) هم در روایتی می‌فرماید: «الْتَمِسُوا الرِّزْقَ بِالتِّكَاكِحِ؛ روزی را با ازدواج، از خدا طلب کنید» (طبرسی، ۱۴۱۲ ق: ۱۹۶). همچنین آن حضرت

در موارد متعددی، مسئله ازدواج را به عنوان یکی از راهکارهای رهایی از فقر و افزایش رزق و روزی مطرح کرده است (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۵: ۳۲۹)

از جمله نمونه‌های تاریخی که به عنوان شاهد مثال می‌توان در این راستا از آن مدد گرفت ازدواج اسماء بنت عمیس با ابوبکر است که وی پس از شهادت همسر اولش جعفر بن ابی طالب تن به این وصلت داد (ابن سعد، بی تا، ۸: ۲۸۲؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۰۸ ق: ۳۵؛ ابو نعیم اصفهانی، بی تا، ۲: ۷۴).

پس از وفات ابوبکر نیز، حضرت علی (ع) اسما را به ازدواج خود درآورد و سرپرستی او و فرزندان او را مستقیماً به عهده گرفت (بلاذری، بی تا، ۱: ۴۴۷؛ ابن سعد، بی تا، ۸: ۲۸۵؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۰۸ ق: ۳۵).

علاوه بر مطالب پیشین، از منظر آیات قرآن کریم، (بقره: ۲۲۸ و ۲۲۹) در طلاق رجعی، یک فرصت دیگر برای برگشت به زندگی و در کنار هم قرار گرفتن زن و مرد، در نظر گرفته شده و بر اساس این فرصت، چنانچه مرد و زن پشیمان شدند و قصد برگشت داشته باشند، تا قبل از تمام شدن عده زن، می‌توانند بدون جاری کردن صیغه عقد، رجوع نموده و کانون خانواده را دوباره برپا کنند.

علامه طباطبایی ذیل آیه فوق فرموده: «مراد از طلاق در جمله: «الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ...»، طلاق رجعی است که شوهر می‌تواند در بین عده برگردد، و لذا آیه شریفه، شوهر را مخیر کرده بین دو چیز، یکی امساک، یعنی نگه داشتن همسرش که همان رجوع در عده است و دیگری رها کردن او، تا از عده خارج شود» (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۲: ۲۳۱).

در این دوران کوتاه نیز قرآن، مسئله مسکن و سرپناه زن و اقتصاد و معاش او را در نظر گرفته و می‌فرماید: «زنان مطلقه را هر جا خودتان سکونت دارید و در توانایی شماست سکونت دهید و به آن‌ها زیان نرسانید تا کار را بر آنان تنگ کنید. (و مجبور به ترک منزل شوند) و اگر باردار باشند، نفقه آن‌ها را بپردازید تا وضع حمل کنند و اگر برای شما (فرزند را) شیر می‌دهند، پاداش آن‌ها را بپردازید» (طلاق: ۶).

خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره: ۳۳)؛ بر پدر است که روزی و لباس مادران را به آنچه نیکوست تأمین کند.

علامه طباطبایی ذیل آیه شریف می‌نویسد: «اما اینکه چرا به جای «والد» کلمه (مولود له - آن کس که فرزند برای او متولد شده) را به کار برده برای این بوده که به حکمت حکمی که تشریح کرده اشاره نماید، یعنی بفهماند پدر به علت اینکه فرزند برای او متولد می‌شود و در بیشتر احکام زندگی اش ملحق به اوست، ناگزیر

مصالح زندگی و لوازم تربیت و از آن جمله خوراک و پوشاک و نفقه، مادری که او را شیر می‌دهد به عهده او است» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲: ۲۴۰).

در آیه دیگری خطاب به اقوام و بستگان زوجین می‌فرماید: «هنگامی که زنان را طلاق دادید و عده خود را به پایان رساندند، مانع آن‌ها نشوید که با همسران (سابق) خویش، ازدواج کنند! اگر در میان آنان، به طرز پسندیده‌ای تراضی برقرار گردد. این دستوری است که تنها افرادی از شما، که ایمان به خدا و روز قیامت دارند، از آن، پند می‌گیرند (و به آن، عمل می‌کنند). این (دستور)، برای رشد (خانواده‌های) شما مؤثرتر، و برای شستن آلودگی‌ها مفیدتر است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید» (بقره: ۲۳۲).

مفهوم آیه فوق این است که حتی بعد از تمام شدن عده طلاق، اولویت ازدواج با زوج سابق است؛ از این رو سفارش می‌کند کسی مانع ازدواج زوجین نشود. نکته دیگر این است که در طلاق رجعی، اگر مرد در ایام عده زن، از دنیا برود، زن از او ارث می‌برد، (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، م ۲۷۷۷) علاوه بر آن، زکات فطره مطلقه رجعیه و هزینه کفن مطلقه رجعیه بر عهده شوهرش است (موسوی خمینی، ۱۳۶۶، ۲: ۳۴۶).

بنابراین در طلاق رجعی، هنوز طلاق مستقر نشده و اقتصاد زن باید از طریق شوهرش تأمین گردد. و این یکی از راهکارهای دقیق و کاربردی قرآنی است که می‌تواند زمینه بازگشت و احیای مجدد زندگی زوجینی که به هر دلیلی اخلاقی در میان آن‌ها ایجاد شده را فراهم نماید.

تجربه میدانی مددکاران طرح مددکاری اسلامی نیز نشان داده در برخی از خانواده‌هایی که طلاق گرفته‌اند و مدت زمان طولانی از جدایی آنان گذشته، فرد یا گروهی دلسوز و متعهد می‌توانند مداخله کرده و زمینه رجوع و بازگشت به زندگی چنین همسرانی را فراهم کنند. در دو راهکار مطرح شده فوق، معیشت خانواده و تهیه امکانات زندگی مشترک بر عهده مردان است و زنان برای اجرای دیگر نقش‌های کلیدی خود مشکل چندانی ندارند.

گسترده کردن شبکه خانواده: بر اساس آیات قرآن، خداوند حکیم، کانون خانواده را محدود به زن و شوهر و فرزندان ننموده و دامنه این مسئله را گسترده‌تر از این گروه‌ها معرفی کرده است؛ زیرا رویکرد قرآن بر این است که تعامل و ارتباطات بین افراد جامعه را تحت عنوان «خانواده» با عناوین و بهانه‌های گوناگون برقرار نماید و در حد امکان نیازمندی‌های افراد به‌ویژه زنان و کودکان جامعه را از طریق گروه‌ها و اقشاری که ارتباط نسبی با هم دارند برطرف نماید. از این رو در

آیه‌ای فرموده است: «أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ...» (احزاب: ۶)؛ و خویشاوندان نسبت به یکدیگر از مؤمنان و مهاجران در آنچه خدا مقرر داشته اولی هستند، مگر اینکه بخواهید نسبت به دوستانان نیکی کنید (و سهمی از اموال خود را به آن‌ها بدهید) این حکم در کتاب (الهی) نوشته شده است.

در آیه دیگری سخن از احسان و نیکی در حق خویشاوندان به میان آورده و می‌فرماید: «بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذَى الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ» (بقره: ۸۳)؛ و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی و احسان کنید.

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر آیه فوق می‌نویسد:

«این آیه نسبت به طبقاتی که احسان به آنان واجب شمرده شده، ترتیب را رعایت کرده، اول پدر و مادران را ذکر کرده، که پیداست از هر طبقه دیگری به احسان مستحق‌ترند، چون پدر و مادر ریشه و اصلی است که آدمی به آن دو اتکا دارد و جوانه وجودش روی آن دو تنه روییده، پس از آن دو، سایر خویشاوندان را مستحق‌تر از دیگران معرفی کرده که باید به آنان احسان شود» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۲۱۸ و ۱۱۹).

در آیه دیگری خداوند حکیم چنین امر نموده: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذَى الْقُرْبَىٰ» (نحل: ۹۰)؛ خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد. همچنین در آیه‌ای که سخن از تقسیم ارث به میان آورده، تأکید نموده بخشی از ارث را در اختیار خویشاوندان نیازمندی قرار دهید که به دلیل حضور طبقات جلوتر ارثی به آن‌ها نمی‌رسد: «و اگر به هنگام تقسیم (ارث)، خویشاوندان (و طبقه‌ای که ارث نمی‌برند) و یتیمان و مستمندان، حضور داشته باشند، چیزی از آن اموال را به آن‌ها بدهید» (نساء: ۸).

در آیه‌ای نیز سخن از اولویت اطعام به خویشاوندان یتیم مطرح شده و می‌فرماید: «أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذَى مَسْغَبَةٍ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ» (بلد: ۱۴ و ۱۵)؛ یا غذا دادن در روز گرسنگی، یتیمی از خویشاوندان را.

علاوه بر آیات فوق، معصومین (ع) نیز در سخنان گهربار خویش به این مسئله تأکید داشته‌اند. رسول خدا (ص) فرمودند: «شروع کن از کسی که مخارج ایشان را تأمین می‌کنی. مادرت، پدرت، خواهرت، برادرت. سپس هر که نزدیک‌تر است و صدقه پذیرفته نیست؛ درحالی که یکی از بستگان، فقیر و محتاج باشد» (مفید، ۱۴۱۳ ق: ۲۱۹).

حضرت علی (ع) نیز ثروتمندان را این‌گونه بر رسیدگی به اقوام مستمند خویش توصیه نموده: «مبادا شما از خویشاوندی که گرفتار فقر و بینوایی است، روی

برگردانید! باید با مال و ثروتی او را یاری رسانید. هر که انفاق نکند و سرمایه خود را نگه دارد، برکت نیابد و دارایی‌اش زیاد نمی‌شود و اگر به خویشاوندانش انفاق کند، چیزی از دارایی او کاسته نمی‌گردد» (نهج البلاغه، خ ۲۳).

در راهکارهای پیشین، نگاه قرآن کریم این است که اقتصاد و معیشت زنان و توانمندی آنان در کانون خانواده سالم تعریف شده و خداوند حکیم، خانواده را ظرف نزول برکات تعریف کرده است. از این رو در حد امکان و از طرق مختلف باید تلاش شود، نظام خانواده مستحکم شود و هریک از اعضای خانواده بتوانند به‌خوبی نقش‌های خویش را اجرا کنند و تا آنجا که ممکن است، زنان به دلیل مسئولیت‌های سنگین و خطیر خود اصولاً نباید، سرپرست خانواده شوند به‌نحوی که اقتصاد خانواده بر دوش آن‌ها قرار گیرد و در صورتی که به هر دلیلی اقتصاد و تأمین معاش خانواده بر دوش این قشر قرار گرفت و نیازمند و فقیر بودند، در درجه اول باید خویشاوندان به داد آن‌ها برسند و زمینه توانمندی اقتصادی آنان را فراهم سازند و افراد و گروه‌های دیگر نیز هریک نسبت به درجه و رتبه خود در اولویت‌های بعدی قرار دارند.

ب) راهکارهای عمومی

مراد از این دسته راهکارها، موارد کلی است که در آن مستقیماً سخنی از خانواده و زنان سرپرست به میان نیامده؛ اما به‌عنوان دستورهای کلی قرآنی با تأکید و صراحت برای توانمندسازی و رفع نیازمندی‌های اقتصادی اقشار مختلف جامعه مطرح شده است. از این رو شایسته است بانوان سرپرست خانوار نیز به‌عنوان بخشی از جامعه انسانی، نسبت به این دسته از راهکارها توجه داشته باشند.

بخشی از این راهکارهای توانمندی باید توسط خود زنان سرپرست خانواده طراحی و اجرا گردد، اما در مواردی هم باید مسئولین و حاکمان اسلامی و سایر اقشار جامعه، برنامه‌های کاربردی را برای توانمندی و برون‌رفت این قشر آسیب‌پذیر در نظر بگیرند و عملیاتی کنند.

کسب درآمد از طریق کار کردن: یکی از راهکارهایی که در برخی از خانواده‌ها قابل اجرا است، کار کردن در بیرون از منزل و یا از طریق مشغول شدن به مشاغل خانگی و تلاش برای کسب درآمد از این راه است.

در قرآن کریم، صراحتاً به‌حق اشتغال زنان و کسب درآمد آنان پرداخته شده و استقلال این قشر نیز در احراز منافع مالی و اکتساب فضایل انسانی مورد تأکید واقع شده، از این رو در آیه‌ای چنین آمده: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ

نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (نساء: ۳۲)؛ مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند، و زنان نیز نصیبی (و نباید حقوق هیچ‌یک پایمال گردد).

در سوره دیگری آمده، هم زنان و هم مردان از کوشش و تلاش خود برخوردار می‌شوند و مبتنی بر آن بهره می‌گیرند: «و اینکه برای انسان جز آنچه تلاش کرده هیچ نصیبی نیست و تلاشش به‌زودی دیده خواهد شد، سپس پاداش تلاشش را به‌طور کامل خواهند داد» (نجم: ۳۹ - ۴۱).

بر مبنای آیات فوق، انسان نتیجه کار و تلاش خود را به‌صورت کامل می‌بیند، از این‌رو جای هیچ عذر و بهانه و تنبلی باقی نمی‌ماند و هرکسی به‌ویژه بانوان سرپرست خانوار، باید تن به کار و کوشش دهند تا خداوند اجر و مزد زحمت آن‌ها را بدهد.

البته شاخص‌های آماری ایران نشان می‌دهد که میزان اشتغال در جمعیت فعال از نظر اقتصادی برای زنان سرپرست خانوار شهری و روستایی به ترتیب ۹۶ درصد و ۹۷/۴ درصد است. این میزان برای کل زنان کشور ۸/۱ درصد شهری و ۱۰/۷ درصد روستایی است که بالاتر بودن نرخ اشتغال زنان سرپرست خانوار نسبت به کل زنان کشور را نشان می‌دهد که این به دلیل شرایط زندگی خاص و ضرورت پاسخگویی به نیازهای اعضای خانوار است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). در آیات قرآن کریم، نیز به نمونه‌هایی از اشتغالات زنان سرپرست خانوار برمی‌خوریم که با توجه به نوع بیانات قرآنی در استنباط مطلب، کافی و وافی است. در ادامه به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود:

دختران حضرت شعیب (ع): نمونه بارز این قشر از زنان، دختران حضرت شعیب (ع) است. از آنجا که پدر آن‌ها به علت پیری و کهولت سن، توان کار و کسب درآمد نداشت، سرپرستی اقتصادی خانواده بر دوش این دختران بود و آنان با رعایت حریم‌های الهی در بیرون از منزل به کار چوپانی مشغول و جایگزین پدر برای نگهداری از گوسفندان شده بودند و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در عرصه میدان عملیاتی، اجرا می‌کردند. تا اینکه در یکی از روزها حضرت موسی (ع) گوسفندان آن‌ها را سیراب نمود و آنان زودتر از روزهای قبل به منزل مراجعت کردند و جریان را برای پدر بازگو نمودند. حضرت شعیب (ع) تصمیم گرفت برای جبران زحماتش، او را به خانه دعوت کند؛ به همین منظور یکی از دختران خود را به نزد موسی (ع) فرستاد (قصص: ۲۵).

در آیه بعدی پیشنهاد این دختر برای واگذاری مسئولیت سنگین اقتصاد خانواده به حضرت موسی (ع) مطرح شده است: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ

مَنْ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِي الْأَمِينُ» (قصص: ۲۶)؛ یکی از آن دو (دختر) گفت: «پدرم! او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی را که می‌توانی استخدام کنی آن کسی است که قوی و امین باشد.

علامه طباطبایی (ره) ذیل آیه شریف و در تفسیر کلمه «اسْتَأْجَرْتُ» نوشته است «اینکه واژه «استیجار» را بدون قید ذکر فرموده، این معنا را می‌فهماند که مراد این بوده که موسی (ع) اجیر حضرت شعیب (ع) شود، در همه حوائج او، و خلاصه قائم مقام خود شعیب باشد، در همه کارهایش، هرچند که به اقتضای مقام تنها مسئله چراندن گوسفندان به نظر بیاید» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۶: ۲۶). از مضمون عبارات «الْقَوِي الْأَمِينُ» نیز به دست می‌آید که حضرت موسی (ع) هم وظیفه چوپانی و نگهداری از گوسفندان را بر عهده گرفت و هم اینکه برنامه اقتصادی و معیشت خانواده حضرت شعیب (ع) به او سپرده شد.

در نمونه قرآنی فوق، کار کردن این دختران به‌عنوان سرپرست خانوار، به‌عنوان یک الگو برای دیگر زنان مورد اشاره قرار گرفته که در عرصه مشاغل اجتماعی متناسب با شرایط و موقعیت خود، بستر توانمندی اجتماعی و مالی را فراهم آوردند. هرچند مدت‌زمان کارکردن آنان محدود به زمان پیری و کهن‌سالی حضرت شعیب (ع) تا زمان ازدواج یکی از آنان با حضرت موسی (ع) بوده است. بنا بر آیات قرآن (قصص: ۲۷ و ۲۸)، حضرت شعیب (ع) بعد از آنکه یکی از دخترانش را به ازدواج حضرت موسی (ع) درآورد، از او تعهد گرفت تا وظیفه نگهداری و حراست از گوسفندان را بر عهده بگیرد. در این صورت هم‌بار سنگین اقتصاد خانواده از دوش دخترانش برداشته شد و هم معاش زندگی خانواده حضرت شعیب (ع) و خانواده جدیدی که حضرت موسی (ع) تشکیل داده بود، توسط مردی قوی و امین تأمین می‌گردید.

حضرت خدیجه (س): حضرت خدیجه (س) نیز یکی از زنانی است که سرپرستی زندگی خود را بر عهده داشت. بر اساس منابع تاریخی، ایشان تاجری ثروتمند بوده که به تجارت می‌پرداخت و پیامبر (ص) نیز برای مدتی از جانب ایشان به تجارت مشغول بود (طبرسی، ۱۳۹۰ ق: ۱۳۹).

بر اساس آیه قرآن، وضع مالی حضرت خدیجه خوب بود و به‌محض ورود وی به زندگی رسول خدا (ص)، ایشان نیز از فقر نجات یافت و غنی شد: «وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَاَغْنَى» (ضحی: ۸)؛ و (پروردگارت) تو را فقیر یافت و بی‌نیاز نمود.

علامه طباطبایی (ره) ذیل آیه فوق نوشته: «کلمه عائل به معنای تهی دستی است

که از مال دنیا چیزی ندارد، و رسول خدا (ص) همین طور بود، و خدای تعالی او را بعد از ازدواج با خدیجه دختر خویلد (س) بی نیاز کرد، و خدیجه تمامی اموالش را با همه کثرتی که داشت به آن جناب بخشید» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲۰: ۳۱۱).

در جریان فوق، حضرت خدیجه (س) نیز مدت محدودی مشغول به کسب و کار بود و اقتصاد زندگی خویش را با تجارت تأمین می نمود؛ اما به محض ازدواج با پیامبر اسلام (ص) هزینه های معاش وی نیز بر عهده آن حضرت (ص) قرار گرفت.

حضرت بلقیس (ملکه سبا): حضرت بلقیس نیز یکی دیگر از زنان نمونه است که برای مدتی توانست سرپرستی سیاسی - اجتماعی یک قومی را بر دوش بکشد و در قرآن کریم نیز داستان این زن سرپرست جامعه، به عنوان الگو معرفی شده است. البته بلقیس بعد از ماجرای حاضر شدن تخت سلطنتش در یک چشم بر هم زن توسط آصف بن برخیا و بعد از مشاهده و درک خوبی های حضرت سلیمان و یارانش، به خدا ایمان آورد و از گذشته خویش توبه کرد (نمل: ۲۳ - ۴۴) و بر اساس روایات معصومین (ع) بعد از مدتی به ازدواج حضرت سلیمان درآمد و در عین حفظ شئون و منزلت اجتماعی و توانمندی مالی به امر مقدس تشکیل کانون خانواده همت گمارد (دینوری، ۱۳۶۸: ۲۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۴: ۱۱۲).

در حدیثی آمده که پیامبر (ص) فرمودند: «كَانَتْ بَلْقِيسُ مِنْ أَحْسَنِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ سَاقِينَ وَهِيَ مِنْ أَزْوَاجِ سُلَيْمَانَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي الْجَنَّةِ؛ او (بلقیس) یکی از بهترین زنان عالم است و او همسر سلیمان در بهشت است» (سمرقندی، ۱۴۱۴ق، ۲: ۵۸۵).

از داستان زنان قرآنی فوق، اثبات می شود که این قشر نیز با وجود همه محدودیت ها و ظرافت های وجودی، قادر هستند همچون مردان، جهت تأمین مایحتاج اقتصادی خود و دیگر اعضای خانواده و مدیریت داشته ها تلاش کنند و به توانمندی اقتصادی برسند، اما شایسته این است که مواجه آنان با اقتصاد خانواده به صورت حساب شده صورت گیرد تا بتوانند علاوه بر انجام این رسالت سنگین، مسئولیت های اساسی خود را نیز همچنان به خوبی بر دوش بکشند و هم خود آسیب نبینند و هم اعضای خانواده در معرض مشکلات بیشتر قرار نگیرند.

سایر زنان شاغل: در روایتی آمده که رسول خدا (ص) در زمان رسالت پیامبری اش، به زنان جوان اجازه می داد تا در مراسم عید فطر و قربان از منازل خود خارج شوند و برای تهیه روزی، بساط بگسترانند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۴: ۲۸۷). نقل شده «حولاء»، زنی عطر فروش بود که پیامبر (ص) او را موعظه می کرد و می فرمود: «هرگاه عطر می فروشی، جنس سالم و با قیمت مناسب تحویل

مردم بده و هرگز در جنس خود تقلب روا مدار» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۵: ۱۵۱). «سمراء»، دختر نهبک، هم از کسانی بود که متصدی امر به معروف و نهی از منکر در بازار بود و جزء محسنین (مأموران انتظامی) به حساب می‌آمد (طبرانی، ۱۴۰۴ ق، ۲۴: ۳۱۱).

همچنین در جنگ‌های پیامبر (ص) همواره عده‌ای از زنان حاضر بودند که به آب‌رسانی و پرستاری از زخمی‌ها می‌پرداختند. «لیلی غفاری» (محلّاتی، ۱۳۶۹، ۵: ۵۹۵) ام عطیه» و «ام سلمه» از جمله این زنان هستند که در غزوات متعددی شرکت داشتند و از مجروحان پرستاری می‌کردند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ۲: ۱۱۹). بنابراین از مطالب پیشین به دست می‌آید که گاهی ممکن است زنان از روی ناچاری مجبور شوند در بیرون از منزل کار کنند و بار سنگین اقتصاد خانواده بر دوش آنان قرار گیرد. در این صورت باید از طرق مختلف تدابیری اندیشیده شود تا این مسئولیت خطیر از دوش آنان برداشته گردد و یا اینکه کار متناسب با شأن و توانمندی و محدودیت‌های این قشر به آنان واگذار شود و در صورت ضرورت حضور در اجتماع، رعایت شرایط و حریم‌های الهی یکی از مواردی است که باید همواره مورد توجه قرار گیرد.

بهتر این است در حد امکان، زنان سرپرست خانواده جهت کار و کسب درآمد از طریق مشاغل خانگی کسب درآمد کنند. در این صورت علاوه بر اینکه در کنار کانون خانه حضور دارند و با آرامش خاطر می‌توانند به کسب و کار و امرار معاش بپردازند؛ آسایش خود و فرزندان خویش را نیز فراهم کرده و همراه با این آسایش فردی و خانوادگی، آسایش اجتماعی را هم به ارمغان می‌آورند.

حمایت و سرپرستی حاکم اسلامی: تأمین کوتاه مدت اقتصاد خانواده‌های زن سرپرست، توسط حاکمیت اسلامی و ولی فقیه یکی دیگر از راهکارهای اثرگذار برای توانمندی زنان سرپرست خانواده است؛ زیرا حاکم اسلامی، نماینده و جانشین پیامبران و امامان (ع) برای اجرای عدالت اجتماعی است. پیامبرانی که درباره اهداف رسالت آنان چنین نازل شده: «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حقّ از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند» (حدید: ۲۵).

تأمین اقتصاد و معیشت زنان سرپرست خانوار یکی از مصادیق بارز اجرای عدالت اجتماعی که باید توسط پیامبران و حاکم اسلامی به اجرا گذاشته شود. لازمه امر به عدالت اجتماعی این است که همه افراد جامعه و حاکم جامعه اسلامی،

مأمور به اقامه این حکم هستند (نحل: ۹۰).

پیامبر اکرم (ص) نیز در روایتی حاکم را ولی و سرپرست افراد بی سرپرست معرفی کرده و می‌فرماید: «فَالسُّلْطَانُ وَلِيُّ مَنْ لَا وَلِيَ لَهُ؛ پس حاکم ولی و سرپرست کسی است که سرپرستی ندارد» (نیشابوری، ۱۴۱۱ ق: ۲: ۱۶۸).

حمایت مادی حاکم اسلامی از زنان سرپرست خانواده در نظام جمهوری اسلامی بر عهده نهاد کمیته امداد حضرت امام خمینی (ره) نهاده شده است. به همین دلیل این نهاد مقدس و انقلابی، ۲۲ روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با صدور فرمانی از طرف امام خمینی (ره)، در ۱۴ اسفند ۱۳۵۷، با هویتی دینی و مردمی، جهادی، عام‌المنفعه و غیرانتفاعی تأسیس گردید و به‌عنوان اولین نهاد و سازمان رسمی کار خود را برای حمایت و توانمندی خانواده‌های نیازمند آغاز کرد.

درواقع این نهاد، نماینده ولی فقیه جهت تأمین اقتصاد و توانمندی خانواده‌های بی سرپرست و بد سرپرست است. از این رو اساسنامه آن، توسط ولی فقیه تأیید می‌گردد و سیاست‌گذاری این نهاد حمایتی در خصوص حقوق و وظایف اعضای خانواده به‌ویژه مسئله اقتصاد و اشتغال زنان سرپرست، مبتنی بر نوع نگرش دین اسلام، نسبت به زن و جایگاه حساس او در خانواده، شکل گرفته است.

کمیته امداد همچون یک اورژانس عمل می‌کند که به‌صورت موقت و اضطراری خانواده‌های مبتلا به مشکلات اجتماعی و اقتصادی را تحت حمایت خود قرار می‌دهد تا بعد از طلاق یا فوت یا زندانی شدن همسر و دیگر مشکلات، بتوانند خیمه زندگی خود را برپا نگاه‌دارند و به‌مرورزمان با موقعیت و شرایط جدید زندگی انس گرفته و بتوانند زندگی خویش و دیگر اعضای خانواده را سروسامان دهند.

رعایت مسائل معنوی و تربیتی: علاوه بر امور ظاهری فوق که به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم، زمینه توانمندی اقتصادی زنان سرپرست خانوار را فراهم می‌سازد، برخی از امور معنوی نیز در آموزه‌ای دینی مورد سفارش واقع شده‌اند که سهم به‌سزایی در توانمندی همه افراد جامعه، به‌ویژه زنان سرپرست خانوار دارند. برخی از این راهکارها مجموعه‌ای از مراقبت‌هایی است که باید در همه مراحل زندگی مدنظر قرار گیرد؛ برخی از آن، به اعتقاد و باور افراد ربط دارد و برخی نیز با نگاه به رفتارهای انسانی شکل می‌گیرد.

شایسته است زنان سرپرست خانوار برای این حیطه اخلاقی، اهمیت قائل شوند

و خود را مزین به آن‌ها نموده و با وجود تمام مشکلات و کمبودها، به قضا و قدر الهی راضی باشند و خود را تسلیم امر پروردگار نموده و یقین داشته باشند که خداوند متعال صلاح و مصلحت بندگان خود را بهتر از ایشان می‌داند و با انجام اعمال صالح و شکر داشته‌های خود، زمینه افزایش رزق و روزی خویش را فراهم نمایند. برخی از این راهکارها عبارت‌اند از:

- تقویت ایمان و اعتماد به خدا: «هر کس به خداوند و روز قیامت ایمان داشته و تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد» (طلاق: ۲ و ۳)

- شکر نعمت: «و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت: اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است!» (ابراهیم: ۷)

- توبه و استغفار: «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ...؛ به آن‌ها گفتم: «از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است تا باران‌های پربرکت آسمان را پی در پی بر شما فرستد و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باغ‌های سرسبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار دهد!» (نوح: ۱۰ - ۱۲)

- انجام عمل صالح: «هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، درحالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دانند، خواهیم داد» (نحل: ۹۷)

نتیجه‌گیری

در قرآن کریم، راهکارهای متعددی برای توانمندشدن وضعیت اجتماعی و مالی زنان سرپرست خانواده وجود دارد؛ برخی از راهکارها به صورت غیرمستقیم و بیشتر با رویکرد پیشگیرانه، زمینه توانمندی این قشر را در کانون پر مهر و محبت خانواده، فراهم می‌نمایند. بخش اعظم و مهم‌تر این دسته از راهکارها، با نگاه به تحکیم بنیان خانواده و تهیه مایحتاج اقتصادی زندگی این نوع از زنان و دیگر اعضای خانواده توسط مردان شکل می‌گیرد.

از جمله آن، مردی است که به عنوان «همسر واقعی زن» در کنار وی زندگی می‌کند و یا اینکه به عنوان «همسری که او را طلاق داده و در زمان عده طلاق هستند و باید نفقه و مهریه» پیردازد و یا اینکه آن مرد «یکی از بستگان و محارم نزدیک این زن» است که با گسترده شمردن محدوده خانواده، در پله دوم از

شبکه خانواده وی به شمار می‌رود. وی نیز می‌تواند با احسان و انفاق و یا اختصاص مقداری از میراث خود، زمینه توانمندی اقتصادی زنان سرپرست خانواری که از بستگان او هستند را فراهم سازد.

بر اساس این بخش از راهکارها با توجه به محدودیت‌ها و شرایط جسمی و روحی زنان سرپرست خانواده تا آنجا که امکان دارد، نباید بار سنگین معیشت و اقتصاد خانواده بر دوش این قشر قرار گیرد تا آنان بتوانند دیگر نقش‌های کلیدی خود را در کانون خانواده و اجتماع و تمدن بشری به‌خوبی ایفا کنند؛ و چنانچه به این راهکارهای کاربردی و دقیق، عمل شود، بخش عمده‌ای از مشکلات اقتصادی این قشر از خانواده‌ها مرتفع گشته و کمبودها و گرفتاری‌های چنین خانوارهایی بر دوش گروه‌ها و اقشار مختلف اجتماع تحمیل نمی‌شود. دسته دیگری از راهکارهای قرآنی هم هستند که مخاطب آن، عموم مردم از جمله زنان سرپرست خانواده است. در این دسته از راهکارها هم بر ضرورت تلاش و کوشش مادی زنان سرپرست در قالب «کار و کسب درآمد»، تأکید شده و هم بر «رعایت امور معنوی» همچون داشتن ایمان راسخ به مبدأ و معاد، شکر نعمت‌ها؛ توبه و استغفار و انجام اعمال صالح.

در این دسته از راهکارها، «مسئولیت و سرپرستی حاکم اسلامی و یا نماینده وی» در برابر این قشر آسیب‌پذیر نیز گوشزد شده که ضروری است وی به میزان اختیارات و امکانات و ظرفیت‌های تحت حاکمیت خویش جهت توانمندسازی زنان سرپرست و دیگر اعضای خانواده اقدام کند. افزون بر این، ره‌آورد توانمندسازی اقتصادی، توانمندسازی در حیطه آرامش و امنیت اجتماعی، حفظ کرامت و عزت نفس، شأنت و منزلت اجتماعی، نقش‌آفرینی زنان سرپرست خانواده در اجتماع، پیشگیری از آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی است.

فهرست منابع

- *قرآن مجید.
- *نهج البلاغه، (۱۴۱۴ق)، تصحیح صبحی صالح، قم، نشر هجرت.
- ۱- ابن سعد، محمد، (بی‌تا)، الطبقات الكبرى، ج ۸، بیروت، دارصادر.
- ۲- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۳۶۳)، تحف العقول عن آل الرسول، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، نشر جامعه مدرسین.
- ۳- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۷۹ ق)، مناقب آل ابی طالب، مصحح هاشم رسولی و محمدحسین آشتیانی، قم، نشر علامه.
- ۴- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، ناشر دار صادر.
- ۵- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، (۱۴۰۸ ق)، مقاتل الطالبیین، به کوشش احمد صفر، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۶- ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله، (بی‌تا)، حلیة الاولیاء، ج ۲، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۷- اسفندیاری، اسماعیل، (۱۳۸۲)، «فقر و انحرافات اجتماعی»، فصلنامه کتاب زنان، پیاپی ۲۱، ص ۴۷-۷۵.
- ۸- انصاری، حمید، (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی رفاه اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، صفحات ۱-۳۰)
- ۹- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، (بی‌تا)، انساب الاشراف، ج ۱، مصر، دارالمعارف.
- ۱۰- تمیمی آمدی، عبدالواحد، (۱۳۷۸)، غرر الحکم و دررالکلم، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، قم، ۱۴۱۰ ق.
- ۱۱- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹)، «تسنیم» تفسیر قرآن کریم، قم، مرکز نشر اسراء.
- ۱۲- جمشیدی، معصومه؛ مهدی زاده، حسین، (۱۳۹۸)، «مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی»، سال دوازدهم، شماره ۲، ص ۳۹-۵۰.
- ۱۳- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق)، وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البت علیهم السلام.
- ۱۴- دینوری، ابو حنیفه احمد بن داود، (۱۳۶۸)، الاخبار الطوال، قم، منشورات الرضی.
- ۱۵- رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۷)، تفسیر سوره مهر، قم، انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- ۱۶- رفیع پور، فرامرز، (۱۳۷۸)، آناتومی جامعه، تهران، شرکت سهامی انتشار، تهران.
- ۱۷- روضوی، میرکازم، (۱۳۸۴)، «کاربرد روش‌ها و فنون رهیافت مشارکت گامی در جهت ظرفیت‌سازی سازمانی و توانمندسازی مردم جوامع محلی»، چهارمین کارگاه فنی کشاورزان در مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی» (اصول و روش‌های کاربردی)، مقاله کنفرانسی، ۱۳ صفحه.
- ۱۸- سازمان بهزیستی، معاونت اجتماعی، دفتر امور زنان و خانواده، (۸۰-۱۳۷۹)، «بررسی شاخص‌های توسعه انسانی در زنان سرپرست خانوار»، تهران.
- ۱۹- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، (۱۳۷۹)، «برنامه مبارزه با فقر و افزایش درآمد خانوارهای

- کم درآمد»، تهران.
- ۲۰- سلیمی، علی؛ داوودی، محمد، (۱۳۸۰)، جامعه شناسی کجروی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- ۲۱- سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، (۱۴۱۴ ق)، بحرالعلوم، تحقیق و تعلیق شیخ علی محمد معوض و شیخ عادل احمد عبد الموجود و دکتر عبد المجید النوتی، بیروت، انتشارات دارالکتب العلمیه.
- ۲۲- شریف قریشی، باقر، (۱۳۶۲)، نظام تربیت اسلام، تهران، فجر.
- ۲۳- صفوی، عیسی، ضمیران، بهار، معارف و نند، معصومه، عرشی، ملیحه، (۱۳۹۳)، «توانمندسازی اقتصادی زنان و دختران جوان در کشورهای آفریقایی، امریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب»، فصلنامه مددکاری اجتماعی، ج ۳، شماره ۴: ص ۱۲-۳.
- ۲۴- طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۲۵- طبرانی، سلیمان ابن احمد، (۱۴۰۴ ق)، معجم الکبیر، محقق حمدی عبدالمجید سلفی، بیروت، نشر مکتب ابن تیمیه.
- ۲۶- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۹۰ ق)، اعلام الوری باعلام الهدی، چاپ سوم، تهران، انتشارات اسلامی.
- ۲۷- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۲ ق)، مکارم الاخلاق، چاپ چهارم، قم، انتشارات الشریف الرضی.
- ۲۸- طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۳)، مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران، انتشارات کتابفروشی مرتضوی.
- ۲۹- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ ق)، تهذیب الاحکام، چ چهارم، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۰- فروزان، ستاره و بیگلریان، اکبر، (۱۳۸۲)، «زنان سرپرست خانوار: فرصت‌ها و چالش‌ها»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۵، ص ۵۸-۳۵.
- ۳۱- قرشی بنابی، سید علی اکبر، (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، نشر دارالکتب اسلامیه.
- ۳۲- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران، ناشر دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۳- گرب، ادوارد، (۱۳۷۳)، جامعه شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی، ترجمه سیاهپوش و غروی زاد، تهران، نشر معاصر.
- ۳۴- گی روشه، (۱۳۷۳)، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران، نشر نی.
- ۳۵- مافی، فرزانه، (۱۳۸۷)، «اعتبارت خرد، ویژگی‌ها، تجارب، ملاحظات، راهبردها»، تهران، مرکز تحقیقات مجمع تشخیص نظام، گروه پژوهشی اقتصاد.
- ۳۶- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، بحارالانوار، چاپ دوم، بیروت، ناشر دار احیاء التراث

العربی.

- ۳۷- مجله آمار (دوماهنامه تحلیلی - پژوهشی)، (۱۳۹۶)، ج ۵، شماره ۱.
- ۳۸- محلاتی، ذبیح‌الله، (۱۳۶۴) ریاحین الشریعه، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۹- محمدی صیفار، مهدی، (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر اهتمام به امور مسلمانان»، نشریه معرفت، شماره ۱۰۳، ص ۲۷- ۲۳.
- ۴۰- معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری. قانون برنامه ششم توسعه، «طرح جامع توانمندسازی زنان سرپرست خانوار»، بندت ماده ۸۰.
- ۴۱- معیدفر، سعید و حمیدی، نفیسه، (۱۳۸۶)، «زنان سرپرست خانوار: نکته‌ها و آسیب‌های اجتماعی»: نشریه: نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۲، ص ۱۵۸-۱۳۱.
- ۴۲- مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق)، الاختصاص، مصحح: علی‌اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم، ناشر الموتر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
- ۴۳- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، ناشر دارالکتب الاسلامیه.
- ۴۴- ملک، حسن، (۱۳۸۱)، جامعه شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۴۵- موسوی خمینی، سید روح‌الله، (۱۳۶۶)، تحریر الوسیله، قم، مطبوعات دارالعلم.
- ۴۶- موسوی خمینی، سید روح‌الله، (۱۳۹۲)، رساله توضیح المسائل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۴۷- نیشابوری، محمد بن عبدالله، (۱۴۱۱ ق)، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، ناشر دارالکتب العلمیه.

48- <https://socialworkmag.ir/fa>

49- <https://www.mcls.gov.ir/>

50- <https://women.gov.ir/>

REFERENCES

- * The Holy Quran.
- * Nahj al-Balagha, (1414 AH), edited by Sobhi Saleh, Qom, Hijrat Publishing.
1. Ibn Sa'ad, Muhammad, (n.d), Tabaqat al-Kubra, vol. 8, Beirut, Dar al-Sadir.
 2. Ibn Shuba Harrani, Hasan bin Ali, (1363), Tuhaf al-Uqoul an Aal al-Rasoul, edited by Ali Akbar Ghaffari, Qom, Jamia al-Mudarrisin publication.
 3. Ibn Shahrashoub, Muhammad bin Ali, (1379 AH), Manaqib Aal Abi Talib, corrected by Hashim Rasouli and Muhammad Hossein Ashtiani, Qom, Allameh publication.
 4. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Mukarram, (1414 AH), Lisan al-Arab, third edition, Beirut, Dar al-Sadir.
 5. Abul Faraj Isfahani, Ali bin Hussein, (1408 AH), Maqatil al-Talibiyyin, by Ahmad Sa-far, Beirut, Al-A'jami Institute for the Press.
 6. Abu Naim Isfahani, Ahmed bin Abdullah, (n.d), Hilyat al-Awliya, vol. 2, Beirut, Dar al-Kutub al-Ilmiyah.
 7. Esfandiari, Ismail, (1382), "Poverty and social deviations", Women's Book Quarterly, consecutive 21, pp. 75-47.
 8. Ansari, Hamid, (1384), Sociology of Social Welfare, Tehran: Tehran University Press, pp. 1-30.
 9. Balazhiri, Ahmad bin Yahya bin Jabir, (n.d), Ansab al-Ashraf, vol. 1, Egypt, Dar al-Maarif.
 10. Tamimi Amidi, Abdul Wahid, (1378), Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim, second edition, Tehran, Islamic Culture Publishing House, Qom, 1410 AH.
 11. Javadi Amoli, Abdullah, (1389), "Tasnim" Tafsir of the Holy Qur'an, Qom, Isra Publishing Center.
 12. Jamshidi, Masoomeh; Mahdizadeh, Hossein, (1398), "Journal of Agricultural Extension and Education Research", Year 12, No. 2, pp. 39-50.
 13. Hurr Amili, Muhammad bin Hasan, (1409 AH), Wasa'il al-Shi'a, Qom, Aal al-Bayt (A.S.) Institute.
 14. Dinawari, Abu Hanifa Ahmad bin Dawoud, (1368), Al-Akhbar al-Tiwal, Qom, Al-Ra-zi Publications.
 15. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, (1387), Tafsir Surah Mehr, Qom, Publications of Researches of Tafsir and Sciences of the Qur'an.
 16. Rafipour, Faramarz, (1378), Anatomy of a Society, Tehran, Intishar Co. for publish-ing, Tehran.
 17. Rozavi, Mir Kazem, (1384), "The application of methods and techniques of partici-pation approach, a step in the direction of organizational capacity building and empow-erment of the people of local communities", the fourth technical workshop of farmers in the management of irrigation and drainage networks (principles and practical meth-ods), conference paper, 13 pages.
 18. Welfare Organization, Social Vice-Chancellor, Office of Women and Family Affairs, (1379- 80), "Inspection of human development indicators in female heads of house-holds", Tehran.
 19. Management and Planning Organization, (1379), "Program to combat against pov-

- erty and increase the income of low-income households”, Tehran.
20. Salimi, Ali; Davoudi, Mohammad, (1380), *Sociology of Kajravi*, Qom, Hawzah and University Research Institute.
 21. Samarqandi, Nasr bin Muhammad bin Ahmad, (1414 AH), *Bahr al-Uloom*, the research and commentary of Sheikh Ali Muhammad Moawwad, Sheikh Adil Ahmad Abd al-Mawjoud and Dr. Abdul Majeed Al-Nuti, Beirut, Dar al-Kutub al-Ilmiyah Publications.
 22. Sharif Qureshi, Baqir, (1362), *Islamic Education System*, Tehran, Fajr.
 23. Safavi, Isa, Zamiran, Bahar, Maarifvand, Masoumeh, Arshi, Maleeh, (1393), “Economic Empowerment of Women and Young Girls in African, Latin American and Caribbean Countries”, *Social Work Quarterly*, Vol. 3, No. 4: pp. 3-12.
 24. Tabatabaei, Seyyed Muhammad Hussein, (1417 AH), *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur’an*, second edition, Beirut, Al-A’lami Institute of Press.
 25. Tabarani, Suleiman Ibn Ahmad, (1404 AH), *Mu’jam al-Kabir*, Research: Hamdi Abd al-Majid Salafi, Beirut, publication of Maktab Ibn Taymiyyah.
 26. Tabarsi, Fazl bin Hasan, (1390 A.H.), *l’lam al-Wara bi A’lam Al-Huda*, 3rd edition, Tehran, Islami Publications.
 27. Tabarsi, Fazl bin Hasan, (1412 AH), *Makarem al-Akhlaq*, 4th edition, Qom, Al-Sharif al-Radhi Publications.
 28. Turaihi, Fakhruddin, (1373), *Majma Al-Bahrain*, third edition, Tehran, Mortazavi Bookstore Publications.
 29. Tousi, Muhammad bin Hasan, (1407 AH), *Tahzhib al-Ahkam*, 4th ed, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiya publication.
 30. Foroozan, Setareh and Biglarian, Akbar, (1382), “Female Head of Household: Opportunities and Challenges”, *Women’s Research Quarterly*, Vol. 1, No. 5, pp. 35-58.
 31. Qurashi Banabi, Seyyed Ali Akbar, (1371), *Qamoos Qur’an*, 6th edition, Tehran, Dar al Kutub al-Islamiyah Publishing House.
 32. Kulaini, Muhammad bin Yaqoub, (1407 AH), *Al-Kafi*, edited by: Ali Akbar Ghaffari and Muhammad Akhundi, 4th edition, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyah.
 33. Gerb, Edward, (1373), *Sociology of strata and social inequalities*, translated by Siahpoosh and Gharavizad, Tehran, Moaser.
 34. Gay Roshe, (1373), *Social Changes*, translated by Mansour Vothouqi, Tehran, Ney publication.
 35. Mafi, Farzaneh, (1387), “Microcredits, characteristics, experiences, considerations, strategies”, Tehran, Research Center of the Expediency Discernment Council, Economics Research Department.
 36. Majlisi, Muhammad Baqir, (1403 AH), *Bihar al-Anwar*, second edition, Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
 37. *Statistics Magazine* (bimonthly analytical-research journal), (1396), Vol. 5, No. 1.
 38. Mahallati, Zabihullah, (1364) *Rayahin al-Sharia*, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyah.
 39. Mohammadi Sifar, Mahdi, (1389), “An analysis of attention to the affairs of Muslims”, *Marifat magazine*, No. 103, pp. 23-27.
 40. Presidential Office of Women and Family Affairs. Law of the Sixth Development Plan, “Comprehensive Plan for the Empowerment of Women Heads of the House-

hold", Article 80.

41. Moaidfar, Saeed and Hamidi, Nafiseh, (1386), "Women Heads of Household: Un-said and Social Harms"; Publication: Journal of Social Sciences, No. 32, pp. 131-158.

42. Mufid, Muhammad bin Muhammad, (1413 AH), Al-Ikhtisas, revised by: Ali Akbar Ghaffari and Mahmoud Moharrami Zarandi, Qom, published by al-Mutamar al-Alami Li Alfiya al-Sheikh al-Mufid.

43. Makarem Shirazi, Naser et al., (1374), Tafsir al-Nomooneh, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyah.

44. Malek, Hasan, (1381), Sociology of strata and social inequalities, Tehran, Payam Noor University Press.

45. Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah, (1366), Tahrir al-Wasilah, Qom, Dar al-Ilm Publication.

46. Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah, (1392), Risalah Tawdhih al-Masa'il, Tehran, Imam Khomeini's (RA) Editing and Publishing Institute.

47. Nishaburi, Muhammad bin Abdullah, (1411 AH), al-Mustadrak al-Sahihain, Beirut, Dar al-Kutub al-Ilmiyah.

48. <https://socialworkmag.ir/fa>

49. <https://www.mcls.gov.ir/>

50. <https://women.gov.ir/>